



بررسی نقوش کاشی های کاخ آباقاخان در تخت سلیمان

پدیدآورنده (ها) : طالب پور، فریده

هنر و معماری :: نشریه نگره :: پاییز و زمستان ۱۳۸۷ - شماره ۸ و ۹ (ISC)

صفحات : از ۱۹ تا ۳۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1378864>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- سیر تحول هنر کاشی کاری در دوره های سلجوقی،ایلخادان،تیموری وصفویه
- بررسی سیر تحول آرایه های تزئینی هنر ایران در دوران باستان: از مادها تا آخر ساسانی (۶۵۲ - ۷۰۸ ق . م)
- بررسی شیوه تک پیکره نگاری در نقاشی های رضا عباسی و دوره قاجار؛ (بررسی موردی پوشاک و نحوه نشستن)
- مطالعه فرهنگ تجسمی و زیبایی شناختی جام ارجان
- آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (هزاره‌ی سوم قبل از میلاد)
- نقش آفرینی با سوزن
- قنات های مقدس ایران
- مطالعه ی نمونه هایی از پیکرک های سفالی زنان در ادوار سلجوقی و ایلخانی
- بررسی تطبیقی مرگ اندیشی از دیدگاه خیام و عطار
- بررسی منشاء نقشمایه ی عقرب- انسان در هنر عصر مفرغ فلات ایران
- خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی
- مطالعه ی اشیاء سنگی تپه حصار دامغان (هزاره ی چهارم تا دوم پیش از میلاد)



بررسی نقوش کاشی های کاخ آباقاخان در تخت سلیمان

فریده طالب پور *

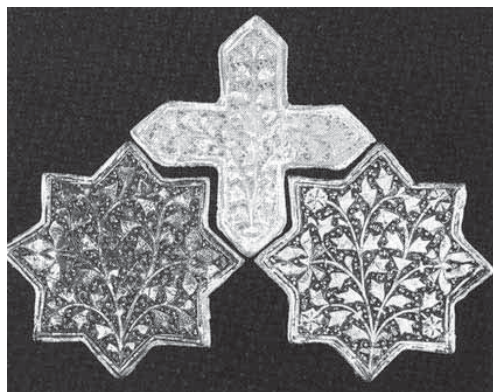
چکیده

کاشیکاری در ایران، سابقه ای بسیار طولانی دارد و در ادوار مختلف تاریخی برای تزیین سطوح خارجی بناها مورد استفاده قرار گرفته است. در دوره ایلخانی از کاشیکاری برای تزیینات داخلی ساختمان ها نیز استفاده شده است. کاخ آباقاخان، در تخت سلیمان، نمونه یک بنای غیر مذهبی دوره ایلخانی با تزیینات کاشیکاری است. از این محل حدود یک صد قطعه کاشی به دست آمده که انواع گوناگونی را در بر می گیرد مانند: کاشی های لعاب دار نقش دار، تکرنگ، لاجوردی و کاشی های کتیبه دار که تاریخ ساخت نیز بر روی برخی از آن ها ثبت شده است. این کاشی ها علاوه بر نقوش ایرانی در برخی موارد دارای نقش مایه هایی هستند که تا قبل از آن برای هنرمندان ایرانی شناخته شده نبود. ازدهای بالدار یکی از این نمونه هاست که توسط هنرمندان دوره مورد اشاره از هنر چین اقتباس شده است. این مقاله اهداف زیر را مورد بررسی قرار داده است:

- بررسی عناصر تزیینی کاشی های کاخ آباقاخان
- شناخت عناصر تزیینی چین در کاشی های کاخ آباقاخان

واژگان کلیدی

کاشیکاری، ایلخانی، نقوش تزیینی، کاخ آباقاخان.



تصویر ۲- نقش گل های نیلوفر با ساقه بلند و طلایی بر زمینه فیروزه ای، مأخذ: پورتر، ۱۳۸۰



تصویر ۱- نقوش گیاهی روی کاشی صلیبی، مأخذ: Komaroff 2002

مقدمه

کاشی های دوران اسلامی در ایران از آثار ارزشمند هنری به شمار می روند. هنر کاشیکاری ایران که اغلب در تزیین بناها به خصوص بناهای مذهبی به کار رفته است، ویژگی های خاصی دارد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که ایران اولین کشوری است که از انواع کاشی به عنوان عنصر تزیینی بناها استفاده کرده است. در دوره اسلامی، استفاده از کاشی برای تزیین سطوح داخلی و خارجی اماکن مذهبی، منازل ثروتمندان و کاخ ها فراوان دیده می شود.

این مقاله به بررسی کاشی های قصر آباقاخان در تخت سلیمان و تاثیر آرایه های تزیینی چین در دوره ایلخانی بر نقوش کاشی های این محل می پردازد. ابتدا با مروری بر کاشیکاری ایران، تاثیر عناصر تزیینی چین بر هنر دوره ایلخانی بررسی شده است. سپس نمونه هایی از کاشی های به دست آمده از این قصر با توجه به نقوش آن ها انتخاب و در مقایسه با نقوش تزیینی چین، جایگاه این آرایه ها مورد بررسی قرار می گیرد.

هنر کاشیکاری در ایران

کاشیکاری در ایران سابقه ای طولانی دارد و قدمت آن به هزاره دوم قبل از میلاد می رسد. «معبد چغازنبیل» واقع در خوزستان، از جمله مکان هایی است که کاشی های دیواری لعاب دار و به شکل مربع از آن به دست آمده که در میان آن ها آثار برجسته نیز به چشم می خورد. در «سوزا»^۱ لرستان تعدادی کاشی چهارگوش با نقش برجسته به دست آمده که تاریخ تولید آن ها به قرن ۷ تا ۱۲ قبل از میلاد می رسد و با مینا رنگ آمیزی شده اند و تصویر جانوران بالدار را نشان می دهند. (کاربونی، ۱۳۸۱، ۶)

۱- سوزا نام قدیم شهر شوش است. نخستین قومی که تمدن خوزستان را بنا نهادند ایلامی ها بودند که بر خوزستان و لرستان فرمانروایی داشتند و پایتخت آن ها شهر سوزا بود. ۲- Tang: امپراتوری چین که از سال ۱۷۶۶ تا ۱۱۲۲ ق م حکومت می کرد و پایتخت آن شهر بین بود.

نمونه هایی از آجرهای لعابدار برجسته هخامنشی در شوش و تخت جمشید نیز به دست آمده و نقش سربازان جاوید نیز نشان از پیشرفت کاشی سازی در این دوره دارد. در دوره سلوکی استفاده از آجرهای لعابدار ادامه داشت اما به تدریج از میان رفت. در دوره ساسانی نیز از شهر بیشاپور تعدادی موزاییک یافت شده که کف ایوان کاخ شاپور اول را مزین می کردند. (پورتر، ۱۳۸۰، ۲۲)

پس از ظهور اسلام و در قرن سوم هجری در شهر سامره، پایتخت عباسیان، کاشیکاری رواج فراوانی یافت. در این دوره ارتباط تجاری مناسبی بین ایران و چین وجود داشت و بسیاری از کالاهای چینی به کشور وارد می شد. این دوره مصادف با حکومت سلسله تانگ^۲ در چین است که ساخت نوعی سفالینه لعابدار در چین مرسوم شده بود. ایرانیان تا پیش از رواج کاشیکاری، در تزیین بناها از نقاشی و رنگ استفاده می کردند و شیوه نقاشی زیر لعاب در مراکز سفال سازی شمال و شمال شرقی ایران مرسوم بود.

در دوره سلجوقی پوشاندن سطوح بناها و تزیینات آن ها مورد توجه قرار گرفت. (کریمی، ۱۳۶۴، ۲۱) شهر کاشان مرکز اصلی تولید کاشی بود و نمونه های گوناگونی کاشی از نظر شکل و تکنیک در آن جا تولید می شد. (کاربونی، ۱۳۸۱، ۷)

در دوره تیموری کاشیکاری توسعه زیادی یافت و کاشی معرق مورد توجه قرار گرفت. در دوره صفویه نیز تحولات قابل توجهی در این زمینه صورت گرفت و انواع کاشی معرق، هفت رنگ و کاشی خشت در ساختمان ها به کار رفت.

قصر آباقاخان در تخت سلیمان

تنها یک نمونه از محل زندگی درباری مغولی و بنای غیر مذهبی با تزیینات کاشی در ایران باقی مانده است.



برای ساخت کاشی و ظروف سفالی بوده است. کاشی هایی که در قصر آباقاخان به دست آمده، شامل کاشی های کف ساختمان، دیوارها و کاشی های کتیبه ای است. در این کاشی ها از رنگ آبی کبالت استفاده شده و کاربرد آن در تعدادی از نقاشی های شاهنامه دموت در دوره ایلخانی تهیه شده است، نیز دیده می شود. (Komaroff, 2002, 91) در این مقاله نقوش کاشی های این مکان مورد بررسی قرار می گیرند.

کاشی کاری در دوره ایلخانی

هلاکو خان تعدادی از هنرمندان چینی را در ایران سکونت داد و از تبادل هنری ایرانیان و آن ها، کاشیکاری در این دوره رونق بیشتری گرفت و استفاده از آجرهای لعاب دار معمول شد. (ماهرالنقش، ۱۳۶۱، ۵) اگر چه حملات مغولان تا مدتی فعالیت های هنری را در ایران با رکود مواجه ساخت، اما پس از رو آوردن حکمرانان ایلخانی به اسلام، احداث بناهای مذهبی و غیر مذهبی تحت حمایت حکمرانان مغولی، با تزیینات آجری و کاشی توسعه یافت. در شهرهای ایران، حکام ایلخانی اقدام به ایجاد بناهای یادبودی کردند که نتیجه این اقدامات، احیای صنعت کاشی سازی بود. تا این دوره، فقط سطوح خارجی بناها با کاشی تزیین می شد؛ اما از این دوره به بعد، کاشی برای تزیین داخلی بناها نیز به کار گرفته شد، نمونه هایی از بناهای کاشیکاری این دوره مسجد جامع فروم و گنبد سلطانیه است. (کیانی، ۱۳۶۲، ۱۶) در اواخر قرن هفتم میلادی تزیین روی لعاب جای خود را به شیوه ارزان تر نقاشی زیر لعاب داد که در این روش نیازی به پخت مجدد سفال نبود و هم چنین نقش مایه های جدیدی نیز از جمله گل نیلوفر و سیمرغ به مجموعه نقوش کاشی ها افزوده شد. (بلر، ۱۳۸۱، ۳۱)

اگرچه سفالگران ایرانی در ابتدای حکومت مغولان با همان سبک و سیاق سلجوقی کار می کردند، اما به تدریج از نقوش مرغان و گل های رنگارنگی استفاده کردند که نفوذ هنر چینی به روشنی در آن ها دیده می شود. صنعتگران ایرانی در دوره ایلخانی مهارت زیادی را در تزیین بناها با انواع کاشی کسب کردند و کاشی های با اشکال ستاره ای شکل که فاصله آن ها با کاشی هایی به شکل صلیب پر می شد را در تزیین بناها به کار بردند. (زکی، ۱۳۷۷، ۳۴) در این دوره سه تکنیک برای تولید کاشی استفاده می شد، که عبارتند از: لعاب تک رنگ،^۸ رنگ آمیزی مینایی بر روی لعاب^۹ و رنگ آمیزی زرین فام بر روی لعاب^{۱۰}. (کاربونی، ۱۳۸۱، ۸) استفاده از کاشی های طلایی یا زرین فام در تزیینات معماری، مربوط به دوره اسلامی است و استفاده از آن ها از اواخر دوره سلجوقی آغاز و در دوره ایلخانی کامل شد. این کاشی ها در شکل و اندازه های مختلف بیش تر در ساختمان های غیر مذهبی به کار می رفتند. ساخت این کاشی ها شیوه ای نبود که به آسانی



تصویر ۳- پرواز درنا با نوشته، مأخذ: پورتر، ۱۳۸۰

قصری فصلی به نام «آباقاخان» در تخت سلیمان که در ناحیه آذربایجان ایران، در جنوب تبریز و جنوب شرقی دریاچه ارومیه واقع است. تخت سلیمان در محل آتشکده آذرگشنسپ^۱ ساسانی (قرن ۷-۵ میلادی) ساخته شده و قدمت این منطقه از لحاظ سکونت گاه انسان به سه هزار سال پیش باز می گردد. بعد از حکومت ساسانی این منطقه رونق چندانی نداشت تا این که در زمان آباقاخان مغول، بناهای جدیدی از جمله کاخی ساخته شد و مدتی به عنوان پایتخت تابستانی و تفرجگاه مغولان مورد بهره برداری قرار گرفت، زیرا محل مناسبی برای شکار بود. در این مکان از کاشی ها و گچ بری های تزیینی استفاده شده است. (Komaroff, 2002, 84)

این ساختمان دارای اتاق ها و ایوان هایی است که در تزیین آن ها از آجر و کاشی استفاده شده است. از این محل تعداد زیادی قطعات کاشی های شکسته با طرح های گوناگون به دست آمده که تعداد کاشی های سالم به دست آمده آن اندک است و نشان می دهد این کاخ در داخل و خارج بنا با کاشی تزیین شده بود. از روی قطعات به دست آمده حدود ۱۰۰ نوع کاشی طرح دار شناسایی شده که وضعیت کاشیکاری را در دوره ایلخانی روشن می سازد. ۹۰ قطعه از این کاشی ها دارای تاریخ ساخت ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ هجری هستند. (قوچانی، ۱۳۷۱، ۲۷) در مواردی تاریخ نقش بسته روی کاشی عدد یا حرف یا ترکیبی از هر دو است. (پورتر، ۱۳۸۰، ۹) در کاشی های این کاخ شش شیوه دیده می شود که عبارتند از:

کاشی های غیر لعابدار^۲، کاشی های لعابدار نیمه شفاف^۳، کاشی های لعابدار تک رنگ^۴، کاشی های رنگ آمیزی شده مینایی^۵، کاشی های لاجوردی^۶، کاشی های لاجوردی زیر لعابدار^۷ که از روش های متداول ایرانیان

۱- Azar Gushnasp

۲- unglazed tiles : کاشی بدون لعاب است و دارای تزیینات مختلف و برجسته می باشد.

۳- Partially glazed tiles: رنگ های زیر لعاب به طور دقیق دیده نمی شود و برای مات کردن از اکسیدهای فلزی استفاده می شود.

۴- monochrome glazed tiles: کاشی با لعاب یکرنگ آبی، سبز یا قهوه ای پوشانده می شود. لعاب از نوع شفاف یا مات تهیه می گردد.

۵- lajvardine tiles: کاشی به رنگ فیروزه ای لاجوردی تهیه می شود و سپس لعاب داد می شود.

۶- Under glazed Lajvar Dine Files: پس از پخت اول، نقوش موردنظر با رنگ های دلخواه با شیوه لاجوردی به وجود می آید. سپس روی سطح را با لعاب بی رنگ می پوشانند.

۷- شینی با لعاب یک رنگ آبی، سبز یا قهوه ای پوشانده می شود. لعاب شفاف یا مات است.

۸- ابتدا شینی با لعاب پوشانده می شود و سپس با قلم و و لعاب رنگی روی آن نقاشی کرده و سپس در کوره پخته می شود.

۹- شیوه لعاب روی نقش است که در آن رنگدانه در یک کوره دوم در دمایی کم تر از دمای اولیه روی سطح لعاب محکم و حرارت دیده ای به کار گرفته می شود. پس از پخت به قشر نازکی از فلز تبدیل می گردد.

۱۰- شیوه لعاب روی نقش است که در آن رنگدانه در یک کوره دوم در دمایی کم تر از دمای اولیه روی سطح لعاب محکم و حرارت دیده ای به کار گرفته می شود. پس از پخت به قشر نازکی از فلز تبدیل می گردد.



تصویر ۴- کاشی با نقش اژدها

هنرمندان و صنعتگران از سرزمین های مختلف به دربار آنان جذب شدند. پادشاهان ایلخانی اگرچه فرهنگ و تمدن ایرانی را پذیرفتند و سپس به اسلام گرویدند؛ اما روابط خود را با مغولان چین هم قطع نکردند. روش های سیاسی و اقتصادی مغولان از چینی ها گرفته شده بود، بنابر این سیاست های جدید تجاری و ارتباطات با سایرین، بر روند رشد همه رشته های هنری و صنایع موثر بود و در نهایت منجر به نفوذ هنر و عناصر چینی و نیز اسلوب چینی در هنرهای ایران شد. در این دوران هنرمندان چینی به دعوت حکام مغولی به ایران آمدند. حتی ارغون شاه برای انجام نقاشی دیوارهای معابد بودایی از هنرمندان چینی به ایران دعوت کرد. (تالبوت رایس، ۱۳۸۱، ۲۲)

تاثیر نقش مایه های چینی در هنر ایران امری بدیهی به نظر می رسد زیرا محصولات وارداتی، فرهنگ خود را نیز بر کشور تحت سلطه تحمیل می کنند. اما کشور ایران که بارها با هجوم بیگانگان رو به رو شده بود نه تنها هویت ایرانی خود را در حوزه های گوناگون هنری و فرهنگی باز یافته بود، بلکه به راهکارها و نقوش جدیدی نیز دست پیدا کرده بود.

مغولان خود اهل هنر و خلاقیت نبودند، اما نسبت به تشویق هنرمندان علاقه مندی نشان می دادند. چنگیزخان که دریافته بود مردم در حال کوچ نمی توانند هنرمندان مطرحی را به وجود بیاورند به صنعتگران خارجی اجازه اسکان داد. او حتی در حملات به مناطق مختلف، هنرمندان را مورد توجه قرار داده و آن ها را آزاد و از پرداخت مالیات معاف کرد. پس از فتح سمرقند ۳۰ هزار هنرمند را راهی سرزمین های جانشینان خود نمود. بسیاری از صنعتگران چینی در مرکز حکومت، قراقورم^۳، ساکن بودند که تولیدات هنری آن ها به کشورهای غربی نیز رسیده است. (Komaroff, 2002, 27)

طرح های چینی در میان انواع کالاها به خصوص در پارچه های ابریشمی چینی آشکار بود. این پارچه ها منابع خوبی برای الهام سایر هنرمندان محسوب می شد و به این ترتیب نقوش گیاهی و حیوانی شرق دور، در میان هنرهای اسلامی راه یافت. برخی از کاشی های لاجوردی و زرین فام دوره ایلخانی با تصاویری از گل های نیلوفر، اژدها و سیمرغ تزیین شده اند و هم چنین پرواز درنا که در چین سمبل خوش اقبالی و طول عمر است هم، دیده می شود. وجود این نقوش چینی در آثار ایرانی، نشان دهنده ارتباط آن ها با شرق دور است. در این دوره آرایه های تزیینی جدیدی در ایران عرضه شد و نیز ترکیباتی از طرح ها به وجود آمد. به عنوان مثال ابرهای چینی در آن زمان نقش مهمی در تزیینات داشتند که از ویژگی های طرح منسوجات چینی از دوره هان^۴ الهام گرفته شده است. نقش دیگری که در این دوره به عنوان عنصر تزیینی در هنر ایران به کار رفته، استفاده از گل لوتوس است. این نقش در دوره سونگ

آموخته شود و استادکاران می بایستی آن را آموزش می دادند. (کاربون، ۱۳۸۱، ۱۷) با توجه به پیچیدگی ساخت سفال زرین فام، این شیوه به عنوان یک روش انحصاری محفوظ شده است. سه نوع کاشی دیواری زرین فام از دوره ایلخانی بر جا مانده که شامل: کاشی محراب، کاشی حاشیه ای کتیبه دار و کاشی ستاره ای و صلیبی شکل است که همراه با تزیینات زرین فام یا لعاب تک رنگ هستند. برجسته کاری در این دوره بر روی کاشی ها انجام می شد و مقدار زیادی کاشی ستاره ای با کتیبه و نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی تزیین شده اند. از این دوره به بعد به تدریج نام سفالگر و تاریخ ساخت بر روی کاشی ظاهر می شود. (واتسون، ۱۳۸۲، ۴۸)

تاثیر هنر چین بر هنرهای دوره ایلخانی

روابط بازرگانی بین ایران و چین از دوران باستان وجود داشت و این روند تا تهاجم مغولان به ایران و بعد از آن، برقرار بود. مسلمانان با هنر چینی آشنا بودند و از آن هم تاثیر پذیرفته اند. ایرانی ها و چینی ها در هنرهای هم تاثیرات متقابلی داشتند و شیفته تزیینات پارچه های یکدیگر بودند و از هم تقلید می کردند. کالاهای صادراتی چین مانند منسوجات، ظروف چینی، ظروف طرح دار لعابی به ایران وارد می شد و منبع مهمی برای الهام هنرمندان ایرانی بود. ایرانیان با تغییر نقش مایه های چینی، آن ها را با فرهنگ ایرانی- اسلامی هماهنگ می کردند.

پس از شکست خوارزم شاهیان، قدرت مغولان به اوج رسید و سلسله ایلخانان را در ایران بنا نهادند. با تسلط آن ها، هنر و تمدن ایران تحت تاثیر هنر شرق، به ویژه هنر چینی سلسله سونگ ۱ و یوان ۲ قرار گرفت. از زمانی که حکام مغولی شروع به بازسازی ایران کردند، دانشمندان،

۱- Song : این سلسله بین سال های ۹۶۰ الی ۱۲۷۹ ق م بر چین فرمان می راند و نخستین دولتی بود که اقدام به چاپ اسکناس نمود.

۲- Yuan : سلسله ی یوان (۱۳۶۸-۱۲۶۰ م) به دنبال هجوم مغول در چین تاسیس شد که یکی از دودمان های غیرچینی در تاریخ چین بود و کمتر از صد سال بر چین حاکمیت داشت.

۳- Khara Khorum: پایتخت امپراتوری مغولان که در حال حاضر بخشی از مغولستان است.

۴- Han: دودمان هان (۲۰۶ ق م تا ۲۲۱ م) از سلسله های اصلی در تاریخ چین است که در آن گسترش وسیع جغرافیایی چین صورت گرفته است. در این دوره است که آیین بودایی وارد چین شد.



تصویر ۴- نقش سیمرغ در حال پرواز مأخذ: Komaroff, 2002

شده و یک تصویر را تشکیل داده باشند. (زکی، ۱۳۸۴، ۵۰)
هنرمندان مسلمان برخی از عناصر و نقش مایه های تزئینی را از کارهای چینی اقتباس کرده و در آثار خود به کار برده اند که از آن جمله می توان موارد زیر را برشمرد:

- تصویر جانوران افسانه ای مانند اژدهای بالدار که در بیشتر موارد دو بال عقاب با پنجه های شیر و دم مار دارد و در میان ابرها در حال پرواز است. تنه اژدها با پوشش فلس مانند پوشیده شده و بر سرش دو شاخ و در دهانش دو دندان تیز است. اژدها نشان خاص امپراتوری چین بوده است.

- سیمرغ، پرنده ای اسطوره ای که تن آن شبیه اژدها و سرش شبیه خروس است و نماد جاودانگی و نشان امپراتوری است.

- نقش ابرها به شیوه چینی تشی یا تای^۱ که نماد یکی از عناصر طبیعی از قبیل ابر یا برق است.

- تصاویر سینی های طلایی بزرگ انباشته از میوه های سیب و هلو که نماد تندرستی، طول عمر و خوشبختی است.

- پرندگان در حال پرواز مانند درنا (زکی، ۱۳۸۴، ۶۳-۶۷) نقوش دیگری مانند گل و مرغ، پروانه و گل، منظره باغ، گل و پرندگان نیز از تاثیرات چین در هنرهای ایران است. در این دوره هنرمندان با استفاده از تصاویر برخی از گل های چینی بر انواع گل های تزئینی خود افزودند. (آژند، ۱۳۸۰، ۲۴)

در چین به طور گسترده به کار می رفت و هم زمان با حکومت مغولان به مدت دو قرن از آرایه های تزئینی پارچه شد. در تعدادی از ابریشم هایی که به ایران نسبت داده می شوند، عناصر شرق دور به خوبی بر روی منسوجات نشان داده شده است. (Pope، 1967، 2045) نقش گل نیلوفر طی قرون متمادی در کشورهای مصر و سوریه مورد استفاده قرار می گرفت و احتمالاً به عنوان نماد بودایی به کار رفته و سپس از طریق هند به چین رسیده است. این نقش در دوره سونگ تحت تاثیر نقش گل صدتومانی متحول شد و با مغولان دوباره به غرب برگشت. (پوپ، ۱۳۸۷، ۲۳۶۳)

پارچه های ابریشمی دوره سونگ دارای طرح های طبیعت گرایانه از گل ها، گیاهان، حیوانات، شیر، سیمرغ و پروانه ها است. نقش انواع گل ها مانند گل صد تومانی و لوتوس نیز در بافته های این دوره به کار رفته است. طرح های هندسی نظیر شطرنجی، پوست ماری، پوست لاک پشت و گیاهانی مانند ساقه بامبو و ساقه خرما نیز از طرح های رایج در این دوره است. (Scott، 1993، 36)

بنابر این تقلید از تصاویر چینی در دوره مغول بسیار رواج داشت و هنرمندان ایرانی تحت تاثیر سبک های هنری چین قرار گرفته بودند.

در میان این تصاویر، نقش مایه های ایرانی و چینی در کنار هم جای گرفته بودند، بدون آن که با هم آمیخته

۱- Tshi-Tai: نقش نمادین برآمده از تفکر کنفوسیوس که وحدت اصل فاعلی و اصل انفعالی را به صورت دایره ای تقسیم شده به دو نیم دایره بته جقه ای نشان می دهد. این نقش در هنر تزئینی چین بسیار کاربرد داشته است.



تصویر ۷- اشعار شاهنامه مأخذ: Komaroff, 2002



تصویر ۶- کاشی لاجوردی با کتیبه فارسی و نقش اژدها و
سیمرغ مأخذ: پورتر، ۱۳۸۰

و انسان است.

برخی از نقش مایه های به کار رفته در کاشی های این مکان حکایت از ریشه ایرانی آن ها دارد، اما نشانه هایی از عناصر چینی هم به وفور دیده می شود. کاشی های ستاره ای هشت پر که در اغلب موارد جفت هستند، حکایت از چینی بودن آن ها دارد.

هم چنین تصویر اژدها و سیمرغ در کاشی های کتیبه ای این مکان، از رایج ترین و قدیمی ترین حیوانات افسانه ای در هنر و فرهنگ چین می باشند. کاشی های این مکان را می توان به دو دسته تقسیم نمود: کاشی هایی با رنگ روشن برای دیوارها و کاشی های قهوه ای رنگ که برای تزیینات خارجی بنا استفاده شده است.

این کاشی ها در اشکال و ابعاد متنوع هستند. خیلی از کاشی ها دارای طرح هایی هستند که نشان می دهد در تولید انبوه با قالب تهیه شده اند. (Komaroff, 2002, 234) کاشی های به دست آمده بر اساس نقوش آن ها به شرح زیر طبقه بندی می شوند:

نقوش گیاهی

تقریباً در تمام قطعات کاشی نقوش گیاهی وجود دارد. از کاشی هایی با نقوش اسلیمی در تزیین دیوارهای داخلی استفاده شده که برخی دارای نوشته هم هستند. (واتسون، ۱۳۸۲، ۱۸۲) بر یکی از دیوارهای قصر، آجرهای صلیبی شکل یافت شده که با شیوه لاجوردی تزیین شده بودند. روی این کاشی ها نقش گل و نقوش تجریدی دیده می شود. (تصاویر ۱ و ۲) صنعتگران چینی در شهر تبریز ساکن بودند و عناصری مانند لوتوس بودایی، گل صدتومانی و توده های ابر بخشی از طرح های تزیینی

اگرچه هنرمندان ایرانی برخی از نقش مایه های تزیینی را از چین اقتباس کردند اما هیچ گونه توجهی به جنبه نمادین آن ها در چین نداشتند و نقوش را تنها به عنوان عنصری زینتی اقتباس کرده و گاهی تغییراتی نیز در شکل آن ها داده اند. در این میان هنر ایرانی مغلوب هنر چینی نشد و استقلال و ویژگی های خود را حفظ کرد. از سویی دیگر تبادل هدایا میان امپراتوران چین و شاهنشاهان ایران، عامل مهم گسترش و نفوذ برخی از شیوه های هنری و آثار تزیینی ایرانی به عرصه هنری و صنعتی خاور دور گردید. انواع نقوش بافته ها، پارچه ها و نیز مصنوعات ظریف فلزی ساخت ایران در قرن هفتم میلادی در چین شناخته شده بود. نقش مایه های منسوجات چینی در سایر هنرهای این دوره نظیر کاشیکاری، سفال، فلزکاری و کتاب سازی تاثیر کرد و عناصر چینی از طریق هنرهای تزیینی این دوره، در هنرهای دوره ی ایلخانی منعکس شد.

(شراتو، ۱۳۷۶، ۳) در ایران هنرمندان طرح هایی ارائه می کردند که دارای نقش مایه های ناآشنا بود، مانند اژدها بر روی پارچه های ابریشمی یا نقش گوزن بر روی کاشی های لعاب دار. به نظر می رسد این نقوش ها از کالاهای وارداتی الهام گرفته شده بود.

طرح و نقش کاشی های کاخ آبافاخان

در دوره ایلخانی تعدادی از عناصری که در هنر چین به کار می رفت به صنعت سفال سازی ایران نفوذ کرد و تاثیرگذاری هنر چین در عناصر تزیینی در سبک ایرانی- مغولی آشکار است. نقوش کاشی های قصر آبافاخان بسیار متنوع است و شامل انواع نقوش گیاهی، جانوران



تصویر ۸- صحنه شکار، مأخذ: Komaroff, 2002

ایرانی شدند. (Scott, 1993, 118)

نقوش جانوری

فیروزه ای یا آبی است. (تصاویر ۴ و ۵) شباهت نقوش کاشی های کاخ با طرح های چینی نشان می دهد سازندگان ایرانی ممکن است طرح خود را از روی طرح های چینی کار کرده باشند.

کاشی نوشته دار



تصویر ۹- بهرام گور و آزاده، مأخذ: Komaroff, 2002

برخی از کاشی ها صحنه هایی از جانوران افسانه ای یا شکار حیوانات را نشان می دهند. سازندگان ایرانی این کاشی ها، طرح های خود را مستقیم یا غیر مستقیم از هنر چین الهام گرفته اند. حکمرانان مغولی به این نقش مایه ها علاقمند بودند و در ساخت قصرهای خود از آن ها استفاده کرده اند. بر روی این کاشی ها نقوشی مانند پرندگان در حال پرواز هم به دست آمده است، مانند تصویر ۳. استفاده از این نقوش نشانه آشکاری از ارتباط نزدیک بین هنرمندان شرق و غرب آسیا در دوره ایلخانی است. مغولان حاکم هنرمندان چینی را در دربار خود به کار می گرفتند، اما چون سبک استفاده شده در این کاشی ها کاملاً ایرانی است، احتمال دارد که هنرمندان ایرانی به تقلید از نمونه های چینی آن ها را ساخته باشند.

نقوش جانورانی مانند خرگوش، گوزن، روباه، سگ، شیر و ماهی روی کاشی ها هم دیده می شود. گوزن حکایت از ثروت در فرهنگ چین داشته و نقش شیر هم در هنر چین کاربرد وسیعی دارد. تعدادی کاشی ستاره ای یافت شده است که بر روی آن ها نقش ازدهای چمبره زده و سیمرغ دیده می شود. رنگ آن ها طلایی بر زمینه

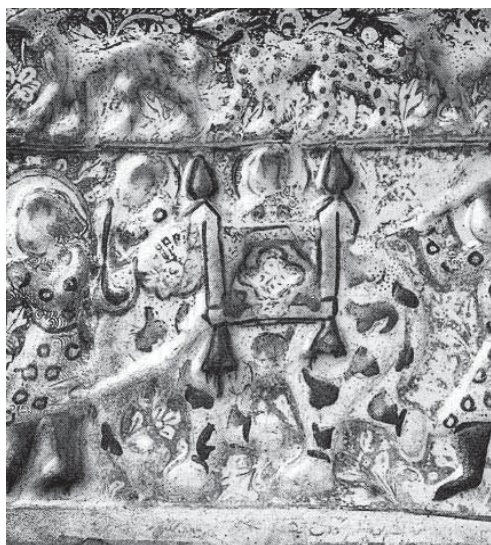


تصویر ۱۰- کاشی ستاره ای با تصویر آدمیان نشسته، مأخذ: Komaroff, 2002

پادشاهی ایرانی در کنار نمادهای پادشاهی چین، از تزیینات مهم در این قصر به شمار می آید.

پیکره

در کاشی های زرین فام از نقش پیکره استفاده شده است. صحنه های درباری نیز روی کاشی ها نقش شده اند. بر روی کاشی های ستاره ای نقوش انسان شامل صورت هایی شبیه به ماه، چشم هایی کشیده، ابروانی به هم پیوسته و موهای پر پشت و بلند و به هم بسته شده وجود دارد که از مشخصات هنری مغولان می باشد. نقوش انسان خشک و رسمی است و سر آن ها به طرز نامناسبی بزرگ است. (تصاویر ۱۰ و ۱۱) (پورتر، ۱۳۸۲، ۴۲)



تصویر ۱۱- فیل و آدمیان، مأخذ: Komaroff, 2002

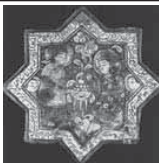
روی برخی از کاشی ها نوشته ها و اشعار گوناگونی وجود دارد، مانند نام کاشیکار، تاریخ ساخت و محل تولید آن. اشعار بر دو نوع هستند: رباعیات و اشعار حماسی. اشعار فارسی بر روی کاشی ها معمولاً ارتباط کمی با موضوع کاشی دارد و برخی از آن ها از آثار شاعران معاصر و برخی از خود سفالگران است. برخی از اشعار شاهنامه درون نوارهایی روی کاشی ها نوشته شده که بیشتر روی کاشی های ستاره ای شکل دیده می شوند. برخی تاریخ ساخت را نشان می دهند که اشاره به سال های ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ دارد. (واتسون، ۱۳۸۲، ۲۱۰) بر روی تعدادی از کاشی های ستاره ای و صلیبی، اشکال اسلیمی و حیوانات خیالی تصویر شده که علاوه بر آن ها اشعار فارسی نیز به چشم می خورد. (تصاویر ۶ و ۷)

صحنه رزم و شکار

تصاویر تعدادی از کاشی ها نشان دهنده رزم های ملی پادشاهان باستانی ایران است، مانند: شاهنامه فردوسی یا صحنه های شکار حیوانات. (تصویر ۸) روی یک قطعه کاشی دو نفر سوار بر اسب با شمشیر به گوزنی خنجر می زنند. این صحنه ها برای تزیین کاخی که در مکان شکارگاه قرار گرفته، کاملاً مناسب است. (Komaroff, 2002, 234) هم چنین در کاشی ها تصاویری از رزم های ملی ایرانیان به دست آمده مانند صحنه ای از شاهنامه که فریدون سوار بر گاوی است و در صحنه دیگری بهرام گور دیده می شود. (تصویر ۹) شاهنامه، داستان شاهان ایرانی، به عنوان نماد قدرتمندی از پادشاهی ایران محسوب می شود و به نظر می رسد که پادشاهان ایلخانی با تقلید از آن، خواستار این قدرت بودند. (واتسون، ۱۳۸۲، ۱۴۷) کاربرد نقوشی که از هنر چین الهام گرفته شده بود نمایان گر ورود تصاویر نا آشنایی است که برای ایلخانان ارزشمند بود اما نمادهای



جدول تطبیقی نقوش کاشی های قصر آباقاخان با آرایه های چینی

نقش	ایرانی	چینی
انسان		
درنا		
گل ها		
اژدها		
گیاهی		
سیمرغ		
شتر		

ماخذ تصاویر ایرانی: پورتر، ۱۳۸۰: Komaroff, 2002. ماخذ تصاویر چینی: Carswell, 1997. Cooper: 2000.

نتیجه

کاشیکاری یکی از هنرهایی است که در طول زمان برای زیبا سازی سطوح بناها مورد استفاده قرار گرفته است. این هنر در دوران اسلامی برای تزیین سطوح داخلی و خارجی اماکن مذهبی و غیر مذهبی فراوان به کار رفته است. آثار برجای مانده تاریخی حکایت از آن دارد که پیش از اسلام نیز کاشیکاری در ایران مورد توجه بوده است. هنر کاشی کاری از اوایل دوره اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و تزیین بناها با کاشی های رنگی و درخشان در ایران شکل گرفت. در دوره ایلخانی استفاده از کاشی در تزیین بناهای مذهبی و غیر مذهبی گسترش یافت. از قصر آباخان در تخت سلیمان تعدادی کاشی با طرح های گوناگون به دست آمده است. در این کاشی ها نقوش اژدها، سیمرغ، انواع گل ها، پرندگان و حیوانات دیده می شود. برخی از این نقوش برگرفته از هنر چین هستند که با ذوق هنرمندان ایرانی تلطیف شده اند.

در دوره ایلخانی برجسته کاری روی کاشی رواج داشت و تعدادی از کاشی های ستاره ای این دوره در حاشیه خود کتیبه دارند. نوشته روی کاشی در دوران اسلامی یکی از تزیینات مهم و مورد علاقه سفالگران بود. این نوشته ها برگرفته از مذهب و تحت تاثیر ادبیات فارسی به وجود آمدند و زیبایی خاصی به کاشی ها دادند. هنرمندان تصاویر انسان، حیوانات، گیاهان و نقوش هندسی را روی کاشی ها نقش می زدند. معمولاً نوشته هایی هم بر دور لبه کاشی ها دیده می شود که شامل آیات قرآن، اشعار فارسی، ضرب المثل و احادیث است.

تصاویر رزم های ملی و حماسی ایرانیان، نوشته روی کاشی ها که شامل آیات قرآن، احادیث، اشعار فارسی و ضرب المثل ها است جلوه خاصی به کاشی های این مکان داده است. برخی از این تصاویر به تقلید از عناصر چینی ساخته شده اند. کاربرد این نقوش نمایانگر استفاده از نقوش ناآشنایی برای هنرمندان ایرانی است که تا آن زمان با آن ها رو به رو نشده بودند، اما برای ایلخانان ارزشمند بوده است. مغولان ارتباطات تنگاتنگ تجاری، سیاسی و اقتصادی با کشور چین داشتند، لذا تاثیر نقش مایه های چینی در هنرهای ایران از جمله کاشی، امری بدیهی است.

منابع و مآخذ

- آژند، یعقوب، تاثیر عناصر و نقش مایه های چینی در هنر ایران، هنرهای زیبا، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۰.
- بلر، شیلا، اس و جاناتان ام بلوم، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
- پوپ، ا.ا، سیری در هنر ایران، ج ۵، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- پورتر، ونیتیا، کاشی های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۰.
- تالپوت رایس، دیوید، هنر اسلامی، مترجم ماه ملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- زکی، محمدحسن، چین و هنرهای اسلامی، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴.
- زکی، محمدحسن، هنر ایران در روزگار اسلامی، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۷.
- شراتو، امبرتو و ارنست گروبه، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۶.
- قوچانی، عبدالله، اشعار فارسی کاشی های تخت سلیمان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- کاربونی، استفانو و توموکو ماسویا، کاشی های ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
- کریمی، فاطمه و محمد یوسف کیانی، هنر سفالگری دوران اسلامی، تهران، مرکز باستان شناسی ایران، ۱۳۶۴.
- کیانی، محمد یوسف و دیگران، مقدمه ای بر هنر کاشیگری ایران، تهران، نشر موزه رضا عباسی، ۱۳۶۲.



ماهرالنقش، محمود، طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران - دوره اسلامی، دفتر اول گره کشی، تهران، موزه ی رضا عباسی، ۱۳۶۱.

واتسون، الیور، سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، تهران، سروش، ۱۳۸۲.

Komaroff, Linda & Stefano Carboni, The Legacy of Genghis Khan, The Metropolitan Museum of Art, New York, 2002.

Pope, A.U, A Survey of Persian Art, Manafzadeh Group-Tehran, Oxford University Press, London, Tokyo, 1976.

Scott, Philippa, The Book of Silk, Thames and Hudson Ltd, London, 1993.

منابع تصویری

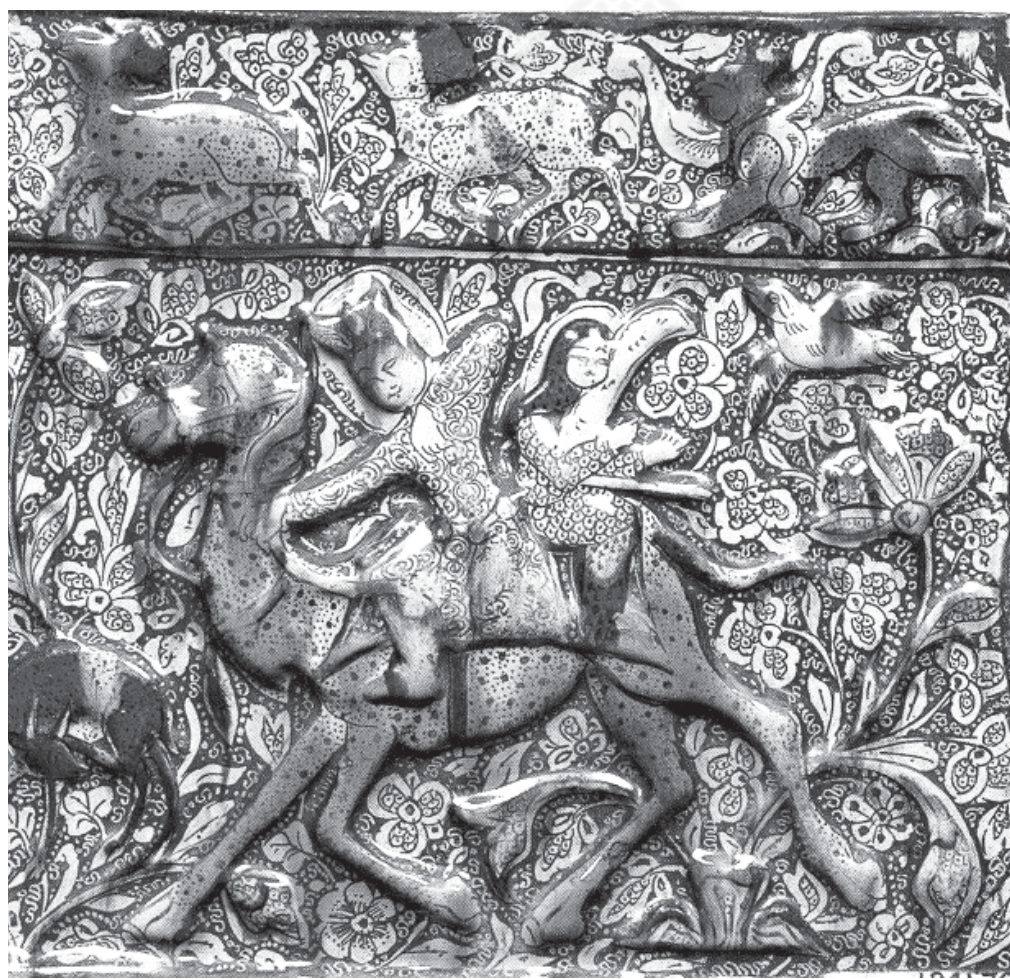
پورتر، ونیتیا، کاشی های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۰.

Komaroff, Linda & Stefano Carboni, The Legacy of Genghis Khan, The Metropolitan Museum of Art, New York, 2002.

Cooper, Rhonda & Jeffrey, Chinese Art, Todtri, New York, 1997.

Carswell, John, Blue and white Chinese Porcelain Around the World, British Museum Press, London, 2000.





بهرام گور و آزاده
Komaroff.2002